

تبیین تحولات اسلام انقلابی در ایران با بهره‌گیری از موعودگرایی مهدوی

علی ایمانی *

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۱

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

چکیده

در واپسین سالهای قرن بیستم امواج ایجاد شده از پیروزی سریع انقلاب اسلامی در ایران از مرزهای ایران گذشت و الهامبخش موج جدید اسلام انقلابی در منطقه گردید. موعودگرایی و فرهنگ انتظار از عناصر مقوم جنبش و مؤثر بر تداوم آن بود. دکترین مهدویت تأثیری بی‌بدیل بر صورت‌بندی این تغییر بزرگ اجتماعی در ایران داشت که زوایای مغفول آن کمتر واکاوی محققانه گردیده است. این پژوهش تلاشی است در راستای کاربست دکترین مهدویت در تبیین اسلام انقلابی در ایران. پژوهشگر تبیین می‌کند که در تحول تاریخی منجر به انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، مهدویت در وجهه و قالب مکتب ظاهر شد و فرایند بسیج مردمی را تسریع کرد. آنچه در این پژوهش آمده تاریخ تفکر مهدویت و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی در ایران معاصر است؛ لذا واقعه‌های تاریخی در راستای آزمون فرضیه تحقیق تبیین می‌شود. دکترین مهدویت چارچوبی نظری برای تبیین اسلام انقلابی در ایران معاصر است. شیوه گردآوری از طریق مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای است. محقق با بهره‌گیری از روش تحقیق تبیین علی و استقراء منطقی به تبیین روابط علی در پژوهش می‌پردازد. جریان اندیشه اجتماعی تحت تأثیر مهدویت گاه شورش بر قدرت حاکم داشته، و گاهی در ایجاد نظم سیاسی جدید مشارکت، و گاهی نیز از قدرت و حاکمیت اعراض کرده است. آخرین بروز اجتماعی موعودگرایی مهدوی پدیده انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت انقلابی و مذهبی در ایران است. مقاله بر این تأکید می‌کند که موعودباوری عامل وحدت در جامعه ایران است و کلیدی نافذ و راهبردی برای تبیین تحولات مربوط به انقلاب اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، انتظار، اسلام انقلابی، امام خمینی(ره)، موعودگرایی مهدوی.

مقدمه

اعتقاد به ظهور مصلح الهی و بشارت به فرجامی خوش، قدر مشترک همه ادیان و مذاهب الهی است؛ اما به نظر می‌رسد نظریه مهدویت در مذهب تشیع، نظریه‌ای حرکت آفرین و امیدبخش است. اندیشه مهدویت و حکومت جهانی حجه‌بن‌الحسن‌العسکری (عج) که در اندیشه تشیع ریشه دارد، بشارت‌دهنده عصر طلایی عدالت و حکومت صالحان در آینده تاریخ است. از قول امام صادق (ع) آمده است^۱: «زمانی که قائم قیام کند، کسانی که گمان می‌شود از خاندان او هستند از صف آن حضرت خارج می‌شوند و کسانی که به خورشید و ماه‌پرست می‌مانند به صف او در می‌آیند». وعده خدای متعال در رسالت پیامبر خاتم (ص) این بود: اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد؛ هرچند مشرکان و کافران ناراضی باشند (توبه/۳۳).

در چارچوب اندیشه تشیع، حکومت ولایی امام عصر (عج) برای اجرای احکام این دین حق است. نگاه شیعه به مهدویت بار عاطفی و احساسی دارد که البته در جای خود حائز اهمیت است. در این مقاله تلاش می‌شود فارغ از نگاه عاطفی، رویکردی علمی به مهدویت و تأثیر آن بر صورتبندی اندیشه اسلام انقلابی در ایران لحاظ شود؛ لذا با تبیین اندیشه انقلابی و آرمانخواه تشیع و توضیح دادن واقعه‌های تاریخی مرتبط با آن، تلاش پژوهشگر به نتیجه معطوف خواهد بود.

مهدویت به‌عنوان آرمان اندیشه تشیع بر صورتبندی جنبش‌های اجتماعی در طول تاریخ تأثیرگذار بوده است. برخی از الگوهای اندیشه‌ای، انفعال را تشویق کرده، و برخی از جنبش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی فریادگر رویارویی با نظام‌های جور بوده‌اند. انقلاب اسلامی، برون‌داد طبیعی اندیشه‌های فعال و فریادگر علیه نظام‌های جور بوده است. به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی پاره‌ای از آن طرحی است که مهدویت در اندیشه تشیع برای فرجام تاریخ ترسیم کرده است.

بسیاری از تحلیلگران و جامعه‌شناسان درباره انقلاب اسلامی، رهیافتهای متفاوتی همچون رهیافت مارکسیستی، ساختاری، نوسازی و روانشناسی فردی را در جهت تبیین وقوع انقلاب اسلامی و جبهه همت خود قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد تبیین پدیده اسلام انقلابی در ایران با رهیافت

۱. «إذا خرج القائم خرج من هذا الأمر من كان يرى أنه من أهله، و دخل فيه شبه عبدة الشمس و القمر» [الغیبة للنعمانی: ۳۱۷ /

مهدویت در اندیشه تشیع در وضعیت فعلی با خلأ نظری همراه باشد. این پژوهش تلاش برای رفع خلأ نظری اسلام انقلابی در ایران با بهره‌گیری از موعودگرایی مهدوی و برتری آن در مقام اندیشه مسلط بسیج مردمی در تحقق اندیشه اسلام انقلابی در ایران است.

هرچند با برآمدن صفویان، تشیع نقشی مسلط به لحاظ اجتماعی پیدا کرد، ظهور و بروز آشکار مهدویت در تحولات اجتماعی ایران از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی و تحولات چهل ساله این انقلاب در ایران و جهان بوده است. وجهه همت پژوهشگر در این مقاله علمی، کاربست رهیافت مهدویت به عنوان چارچوب نظری تبیین اسلام انقلابی در ایران است.

بیان مسئله

ظهور مقتدرانه اسلام سیاسی با وقوع انقلاب اسلامی برای کسانی که درباره تعامل مذهب و سیاست در ایران مطالعاتی کرده‌اند تحیرآور نبوده است (P 270: 1981, keddi). در تحیرزدایی از این پدیده، تلاشهایی صورت گرفته و ادبیاتی خلق شده است. وسعت و گستردگی بسیج مردمی منجر به انقلاب اسلامی مورد اتفاق نظر جمیع پژوهشگران این حوزه است. با توجه به نمادها، سمبلها، شعارها و هم‌چنین اقبال شدید توده‌های مردم به طبقه روحانیت، مذهبی بودن انقلاب ایران و تأثیرپذیری شدید آن از اندیشه تشیع، پذیرفته شده است. در جنبش‌های اجتماعی تاریخ معاصر ایران از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) موعودگرایی مهدوی، حلقه اتصال نقش‌آفرین جنبش‌های سیاسی اجتماعی ایران معاصر بوده است. انقلاب اسلامی نقطه‌ای تعیین‌کننده و مهم از روند پوییش و تحول در جامعه ایرانی است. توجه نکردن به آرمان مهم مهدویت در پوییش جامعه ایرانی از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ امکان صورتبندی نظریه‌ای جامع را در این‌باره با مشکل روبه‌رو می‌نماید. در این پژوهش دغدغه پژوهشگر پرسش بنیادین از نقش مهدویت در اندیشه اسلام انقلابی در ایران معاصر است. سؤال اصلی تحقیق این است که: "مهدویت به مثابه مکتب در تحول تاریخی منجر به ظهور اسلام انقلابی در ایران به چه صورتی اثرگذار بوده و فرایند بسیج مردمی را تسریع کرده است؟"

در موعودگرایی مهدوی، برانگیختگی احساسات توده‌های انقلابی در نقد وضع موجود و به تصویر کشیدن وضعیت آرمانی و عادلانه آینده، توان اجتماعی قدرتمندی آزاد می‌کند؛ به این

ترتیب، جنبه‌های عینی مطرود و منفی وضع موجود، شرایط آرمانی آینده را به وجه مشترک همگانی مبدل می‌کند. ضرورت تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که تحلیل جنبش‌های برگرفته از اسلام انقلابی طی قرن اخیر در ایران با بهره‌گیری از چارچوب نظری موعودگرایی مهدوی با خلأ نظری معناداری روبه‌رو است. بنابراین محقق با درک ضرورت و اهمیت طرح مسئله به تأثیر موعودگرایی مهدوی در صورت‌بندی اسلام انقلابی در ایران معاصر می‌پردازد.

فرضیه این پژوهش در پاسخ به پرسش مقاله این است که: "توان درونی موعودگرایی مهدوی از یک سو و شرایط عینی و ذهنی و تاریخی جامعه ایران از سوی دیگر، عواملی مؤثر در مکتبی شدن مهدویت و برتری آن در مقام اندیشه مسلط بسیج مردمی در تحول تاریخی اسلام سیاسی در ایران بوده است.

نوع تحقیق توسعه‌ای، و روش تحقیق بر تبیین علی‌مبتنی است. در آزمون فرضیه این پژوهش، کوشش محقق جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک الکترونیکی است. با ارائه تبیینی تاریخی با استفاده از منابع نوشتاری تأثیرات متغیر مستقل (موعودگرایی مهدوی) بر متغیر وابسته (صورت‌بندی اسلام انقلابی در ایران) تبیین می‌شود. حدود و نقطه تمرکز پژوهش از نظر موضوعی، تبیین غلبه گفتمانی مهدویت به‌عنوان مکتب در تحول تاریخی به ظهور اسلام انقلابی در ایران منجر شده است. هم‌چنین تبیین چگونگی غلبه گفتمانی موعودگرایی مهدوی از نظر زمانی و مکانی بر تحولات مهم اجتماعی ایران از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی است. در ادبیات تحقیق به تفصیل وجوه این متغیرها تبیین خواهد شد. موعودباوری مهدوی شیعی در واقع چارچوب نظری تحقیق را تشکیل می‌دهد.

ادبیات تحقیق

مهدویت از اضلاع اصلی دکتربین تشیع است. دکتربین‌ها و نظریه‌های شیعی، مفاهیم و نمادهایی دارد که ظرفیت ارائه قرائتها پیشروانه و تحول‌آفرین را دارا است و قرائتها معمول محافظه‌کارانه را به حاشیه می‌راند. مهدویت در دکتربین تشیع، عناصر و مؤلفه‌هایی دارد که ظرفیت تحول‌آفرینی اجتماعی آن را دو چندان می‌کند و امکان بسیج اجتماعی گسترده علیه نظام جور در اندیشه انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد. بنابراین دکتربین و دکتربین مهدویت تعریف می‌شود.

در سیاست‌گذاری، دکتربین نیرویی واسطه‌ای میان فلسفه و سیاست است. در واقع دکتربین اغلب

اوقات فلسفه را به شکل ابهام‌آلود و نظری آن می‌گیرد و آن را عملیاتی می‌سازد تا جایی که از دل آن سیاستهای مشخص بیرون کشیده شود (شافرینز و بریک، ۱۳۹۸: ۲۲). دو معنا برای کلمه دکتربین^۱ بر شمرده شده است: معنای نخست آن «تصدیق کردن یا اعتقادداشتن به حقیقت» است (آراسته‌خو، ۱۳۷۰: ۵۵۲) و معنای دوم آن «آموزه» و با تعبیراتی همچون اعتقاد^۲، «آموزه، تعلیم»^۳ و آیین^۴ مترادف است. کلمه دکتربین در معنای نخست (اعتقاد و باور به حقیقت) ساختاری فلسفی دارد؛ اما در معنای دوم (آموزه) از جنبه عملی بیشتر برخوردار است (لالاند، ۱۳۷۷: ۳۰۱) در ادیان و مذاهب از واژه دکتربین، آموزه‌های مذهبی و کلامی اراده می‌شود که بنیادین و اصیل، بدیهی و فوق‌چون و چرا، دارای مبنای استوار در متون دینی، مورد اعتقاد مؤمنان است و جنبه عملی و راهبردی دارد؛ مانند «دکتربین مهدویت». در آیین مسیحیان اصطلاح «دکتربین» یا «دگما» به معنای آموزه‌هایی است که برای پیروانش رستگاری را به ارمغان می‌آورد. در دائرة المعارف کاتولیک آمده است که این اصطلاح برای «آموزه‌های مذهبی شفاهی» یا «تبشیرهای انجیل» به کار می‌رود. در آیین یهودیان نیز به معنای «آموزه یا آموزه‌های» است که بیشتر برای تعالیم تورات به کار برده می‌شود. منظور از آن در اسلام آموزه یا آموزه‌هایی اعتقادی و کلامی است که هم اصیل و بنیادین است و هم جنبه راهبردی دارد. گاه بر حسب کاربرد و به مقتضای اضافه شدن «دکتربین» به آموزه‌ای دینی همچون «مهدویت» از آن معانی‌ای همچون فلسفه، مکتب فکری و نوعی گرایش می‌توان استنباط کرد؛ مانند «دکتربین مهدویت» که به معنای «فلسفه مهدویت»، «مکتب فکری مهدویت» و «مهدویت‌گرایی» است (نوروزی خیابانی، ۱۳۷۶: ۸۵).

مهدویت و منجی‌گرایی تفسیری ایدئولوژیک در اندیشه تشیع است که بر ناعادلانه بودن نظامهای وقت تأکید می‌کند؛ لذا شیعیان همواره به امامت انسان صالح در زمین باورمندند و شرط تحقق عدالت اجتماعی را رهبری و حاکمیت انسان صالح [امام] می‌دانند. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:^۵ «این کار (قیام قائم) رخ نخواهد داد تا اینکه هر گروه و دسته‌ای حکومت بر مردم را به

1. Doctrine
2. Tenet
3. Teaching
4. Dogma

۵. «ما یكونُ هذا الأمرُ حتّٰی لا یبقی صیفةٌ من النّاسِ إلّا و قد وُلّوا علی النّاسِ، حتّٰی لا یقولُ قائلٌ: إنّا لو وُلّینا لعدلنا! ثمّ یقومُ القائمُ بالحقِّ و العدل.» [مشكاة الأنوار/ص ۶۳]

دست گیرد؛ چنانکه کسی نگوید اگر ما حاکم می‌شدیم «عدالت» را می‌گسترانیدیم! بعد از این، قائم حق و عدل گستر قیام می‌کند». از سوی دیگر سنت و سیره زندگی امام معصوم (ع) بویژه امام اول، امام سوم و امام دوازدهم بر حیات سیاسی و زندگی اجتماعی ایرانیان تأثیری انکارناپذیر داشته است. حادثه بزرگ عاشورا و بزرگداشت مستمر و تاریخی آن در صورتبندی احساسات و هویت جمعی و انسجام و همبستگی اجتماعی ایرانیان تأثیری انکارناپذیر داشته است. برگزاری مراسم عبادی عمومی مانند نماز جماعت، اعیاد مذهبی، تشییع، ترحیم و عزاداریهای مذهبی بر شکل‌گیری این هویت جمعی تأثیر جدی دارد. هم‌چنین عامل اجتهاد، که در فرایند پیروزی مکتب اصولی بر مکتب اخباری در اوایل قرن ۱۹ م بر تقلید از مجتهد زنده تأکید می‌کند، امکان انتقال تفسیر مکتبی به پیروان شیعی و امکان شکل‌گیری بسیج گسترده اجتماعی را آسان می‌ساخت؛ به این ترتیب دکترین تشیع با محوریت مهدویت و به مدد نهاد مرجعیت و حوزه‌های علمیه دارای استقلال مالی از دستگاه دولت و اصولاً غیرحکومتی و حتی ضددولتی تداوم تاریخی مقتدرانه‌ای یافت.

سازمان روحانیت، تشکیلاتی با مبنای مذهبی و غیرحکومتی و بشارت‌دهنده مهدی موعود، دارای شبکه‌ای گسترده و نهادینه شده در مساجد، مقابر و زیارتگاه‌های مذهبی و تکایا و حسینیه‌ها بوده است. هم‌چنین پراکندگی علمای شیعی در ایران، عراق و لبنان و عدم امکان کنترل و سرکوب آنان از سوی نظام‌های جور نیز در تثبیت دکترین غیرحکومتی مهدویت تشیع مؤثر بود. در کنار این مجموعه شرایط، نقش تأثیرگذاران بزرگی چون میرزای شیرازی، میرزای نائینی و امام خمینی (ره) در هژمونیک شدن اسلام شیعی و تحولات دو قرن اخیر باید لحاظ شود که به انقلاب اسلامی منجر شد. هم‌چنین شخصیت‌های مذهبی دیگر همچون آیت‌الله مطهری نیز در عملیاتی کردن دکترین مهدویت و صورتبندی تحولات اجتماعی منجر به انقلاب اسلامی قابل توجه است.

دکترین مهدویت در اسلام شیعی، مقبول و در دسترس بود و اقبال به آن مستلزم کیش و آیین نبود و این ویژگی اقبال توده‌های عدالتخواه و ناراضی را از وضع موجود به آن آسان می‌ساخت. در کنار ویژگیهای عقیدتی دکترین تحول‌ساز مهدویت باید شرایط عینی منجر به ظهور اسلام سیاسی طی دو قرن اخیر را نیز به شمار آورد. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که زمینه‌های عینی تفسیر مکتبی از دکترین مهدویت را فراهم آورد به این شرح است:

ماهیت دولتهای قاجار و پهلوی از اواسط قرن نوزدهم میلادی به بعد و خط‌مشی‌های این دولتها

در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی در دو قرن اخیر، بستر انگیزش نارضایتی علما و پرچمداران اندیشه مهدویت بوده است. سیاستهای نوسازی این دولتها به دگرذیسی‌های اخلاقی و فرهنگی منجر شد و شرایط آنومیک در جامعه را هویدا کرد. این از جا دررفتگی فرهنگی^۱ در فرایندگذار از سنت به شبه‌مدرنیسم، شکاف دولت و ملت را عمق بخشید؛ بنابراین جامعه ایران شاهد واکنش مذهبی در برابر نوسازی سکولار و عقلانیت غربی در این دوره‌ها بود که در نهایت در تحول بزرگ انقلاب اسلامی به پیروزی اسلام انقلابی منجر شد.

انفعال دولتهای قاجار و پهلوی حاکم بر ایران طی دو قرن اخیر در برابر بیگانه و داشتن روابط نابرابر با قدرتهای جهانی نیز عاملی در راستای ظهور و بروز دگرذیسی مهدویت در ایران بوده است. وجود عناصری بنیانی مانند قیام، عدالت و مستضعفان در دگرذیسی مهدویت به ایجاد توان تقابل انقلابی با "استکبار و ظلم" (همان ماهیت استعماری روابط قدرتهای بزرگ با حاکم دو قرن اخیر ایران) منجر گردید و این تقابل از عناصر مقوم اندیشه منجر به انقلاب اسلامی بود. به‌طور کلی اگر روند فرایند تأثیرگذاری مهدویت در تحولات اجتماعی دو قرن اخیر ایران از نهضت تنباکو تا پیروزی انقلاب اسلامی رصد شود، این دگرذیسی از "قیام علیه قدرت" تا "انزوای از قدرت" و در نهایت "تدبیر و عمل برای تشکیل دولت" را پشت سر نهاده است.

این پژوهش به تبیین این رویدادهای تاریخی، و در نهایت به تجزیه تحلیل جامعه‌شناختی آن می‌پردازد.

جنبش تنباکو (قیام علیه قدرت حاکم)

در نیمه دوم قرن نوزدهم (۱۲۶۹ خورشیدی و مارس ۱۸۹۰ میلادی) قراردادی بین یک شرکت خصوصی انگلیسی به نام رژی به سرپرستی ماژور جرالده تالبوت و استبداد وقت ناصری منعقد شد. طبق این قرارداد امتیاز و انحصار برداشت و صادرات توتون و تنباکوی ممالک محروسه ایران در ازای دریافت وجه نقد ۱۵۰۰۰ لیره در سال به این شرکت انگلیسی واگذار شد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۷۹). قرارداد بدون اطلاع ملت ایران بین دربار استبدادی وقت و شرکت انگلیسی منعقد شده بود. از آنجا که دربار استبدادی، خود را مالک جان و مال و ناموس رعیت می‌دانست نه حقی برای اطلاع و نظارت ملت پیش‌بینی شده بود و نه قانون و ساختاری برای اطلاع‌رسانی صحیح وجود

داشت. بنابراین قرارداد بین استبداد داخلی و استعمار خارجی، وضعیتی خسارت‌بار را برای ملت ایران رقم زده بود. با رسانه‌ای شدن موضوع این قرارداد، علمای شیعه از قضیه آگاه شدند. نوع رویارویی مرجعیت تشیع با این قرارداد از اهمیت برخوردار است. از ابتدای قاجاریه و با پیروزی مکتب اصولی بر مکتب اخباری دستگاه مرجعیت تشیع متمرکز شد. شیخ انصاری (ره) با اعزام نمایندگان خود به بلاد اسلامی شیعی اقتدار دستگاه متمرکز مرجعیت تشیع را تثبیت کرد. در این دوره در حقیقت مکتب شیخ انصاری در حوزه‌های علمیه شیعی به لحاظ علمی غلبه گفتمانی یافت. روحانیت شیعه با تاریخی ۱۰۰۰ ساله از دوران غیبت امام دوازدهم (عج)، همواره معتقد به مشروعیت حکومت امام معصوم (ع) بود؛ بنابراین حکومت‌های وقت مانند سلسله قاجارها را حکومت سلطان جائز می‌دانست.

طبق دکتین شیعه در دوران غیبت امام عصر (عج)، شیعیان دارای حکومتی خودگردان هستند که اقتصاد آن نیز به صورت خودگردان و مستقل از دولت جائز اداره می‌شد. مطابق این مکتب اصولی، سلطان جائز حکومتش نامشروع است؛ اما وجودش به صورت دوفاکتو^۱ پذیرفته شده است که امنیت حداقلی را در جامعه ایجاد کند. در حکومت خودگردان شیعیان، مؤمنان شیعی با دادن سهم امام و مالیات‌های شرعی به مراجع و نمایندگان شرعی آنان به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه می‌دهند تا امام عصر (عج) ظهور فرمایند و حکومت عدل را تشکیل دهد؛ لذا در طول تاریخ اصولاً پرداخت سهم امام و زکات شرعی همبستگی خاصی بین مؤمنان و روحانیت ایجاد کرده است.

قرار داد استعماری تنباکو، حوزه خودگردان زندگی مؤمنان شیعی را مورد تجاوز اقتصادی و سیاسی قرار داد. دستگاه استبداد ناصری با انعقاد قرارداد تنباکو اقتصاد جامعه خودگردان مؤمنان شیعی را هدف قرار داده بود؛ زیرا هم کشاورزان و هم بازاریان شیعه از این قرارداد دچار زیان اقتصادی جدی می‌شدند؛ بدین ترتیب ضمن ورشکستگی اقتصاد نهاد خانواده‌های شیعه، نهاد بازار نیز ورشکست می‌شد و عدم تحقق سهم امام و نذورات مذهبی نهادهای آموزش دینی مکتب تشیع را نیز با بحران مالی روبه‌رو می‌کرد. بنابراین با فتوای میرزای شیرازی مرجع عام شیعیان جهان، تأثیرگذاری جدی دکتین مهدویت در شکل‌گیری یکی از جنبش‌های اجتماعی بزرگ دو قرن اخیر ایران (جنبش تنباکو) آزمون شد. مرجعیت عام تشیع، مصرف توتون و تنباکو را در حکم

1. De facto

محاربه با امام زمان (عج) اعلام کرد (فوران، ۱۳۸۹: ۲۵۵). این انقلاب اجتماعی اتوریته^۱ و اقتدار شاه مستبد را در هم شکست و اعتماد به نفس از دست رفته تاریخی را به علت اختناق استبداد حاکم به ملت ایران بازگرداند. برای اولین بار شعار زنده باد ملت در جنبش تنباکو فریادگردید (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۸). ایرانیان از پیله ارتباط شاه - رعیتی برون جستند و فریاد همبستگی ملی سر دادند.

میرزای شیرازی مصدر فتوای بزرگ تحریم تنباکو انسجامی قوی از این اندیشه به نمایش گذاشت. او به پیروی از سنت امام صادق (ع) از ملاقات با ناصرالدین شاه در سفر عتبات اعراض می‌کرد و دعوت پادشاه عربستان به منظور جلوس در جایگاه ویژه مهمانان را رد کرده بود.

چون اداره جامعه خودگردان مؤمنان در زمان غیبت بر عهده علما در دوران غیبت است و قرارداد رژی این جامعه خودگردان مؤمنان شیعی را مورد تعرض قرار داده بود و پایه اقتصادی این جامعه را هدف گرفته بود، مرجع عام شیعیان با بهره‌گیری از نظریه مهدویت در دوران انتظار «مصرف توتون و تنباکو را در حکم محاربه با امام زمان اعلام کرد. بروز نظریه مهدویت در این دقیقه از تاریخ تحولات اجتماعی در قالب مبارزه منفی است. محاربه با امام زمان (عج) آن‌چنان خط قرمز پررنگی بود که زنان حرمسرای شاهی نیز قلیانها را شکستند. اعتمادالسلطنه می‌نویسد، شنیدم شاه فرموده بود به زنه‌های خودش که کبی قلیان را حرام کرده است. یکی از خانمهای آبرومند عرض کرده بود همان کس که ما را به شما حلال کرده است (نیازمند، ۱۳۸۳: ۲۸۹).

علما و روحانیون در این دوره با مبنا قرار دادن دکترین مهدویت شورش بر قدرت استبدادی حاکم را رهبری کردند. در این نقطه تاریخی علما هنوز طرحی برای مشارکت و یا نظارت بر قدرت حاکم نداشتند. مهار قدرت متجاوز به حریم مؤمنان شیعی با ابتنا بر دکتر مهدویت در دستور کار علمای شیعی و مرجع وقت شیعیان قرار گرفته بود؛ به این ترتیب کاربست اجتماعی دکترین مهدویت با فتوای مرجع تقلید وقت یکی از مهمترین تحولات اجتماعی دو قرن اخیر ایران را رقم زد؛ زیرا جنبش تغذیه و تقویت شده تنباکو از دکترین مهدویت اقتدار مطلق سلطان مستبد را درهم شکست؛ خودباوری و همبستگی عظیم در مؤمنان شیعه ایجاد کرد و زمینه انقلاب مشروطه در یک دهه بعد فراهم شد.

انقلاب مشروطه (مشارکت در ایجاد نظام حکمرانی جدید)

انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ خ) تغییری اجتماعی در ایران در راستای رسیدن به حکومت قانون بود. در سنت استبدادی در ایران شاه بر جان و مال و ناموس رعیت سلطه و اشراف تام داشت. مشروطه خواهان، شاه قاجار (مظفرالدین شاه) را با مهاجرت، تظاهرات، گفتگو و چانه‌زنی به امضای فرمان مشروطه وادار کردند. مجلس مؤسسان بسرعت در تهران تشکیل شد تا قانون انتخابات مجلس شورای ملی را تصویب کند (ابراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۱۰). روحانیون بزرگی چون آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبایی و شیخ فضل‌الله نوری نقش رهبری را در این تغییر بزرگ اجتماعی داشتند. با روی کار آمدن شاه جدید (محمدعلی شاه) و آغاز به کار مجلس اول مشروطه، این پیروزی اولیه دیری نپایید و با کودتای دربار، مجلس شورای ملی به وسیله کلنل لیاخوف روسی به توپ بسته شد و مشروطه‌خواهان متواری شدند. دوران کوتاه استبداد صغیر دورانی سخت برای ایرانیان بود. عموماً در سختی‌ها و شدائد رجوع به دکترین مهدویت در میان ایرانیان شیعه از عینیت جدی‌تری برخوردار بوده است.

در پی آغاز دوران استبداد صغیر، آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله طباطبایی و آیت‌الله افجه‌ای مراتب مظلومیت ملت و سختگیریهای استبداد محمدعلی‌شاهی را طی تلگرافی به اطلاع مراجع نجف رساندند. مضمون پاسخ علمای نجف استمداد از دکترین مهدویت در دفع ظلم ظلمه بود و تأثیرگذاری نظریه مهدویت در تغییر اجتماعی در ایران عصر مشروطه در این پاسخ هویداست. در بیانیه علمای نجف چنین آمده است: "... بذل و جهد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان (عج) و سرمویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و مبارزه با آن حضرت است" (خراسانی - مازندرانی " (کسروی، ۱۳۸۷: ۷۳). تلگرافی دیگر از مراجع نجف به این شرح است: "عموم امرا و قزاق و نوکرهای نظامی و عشایر و سرحدداران ایران ایدهم‌الله‌تعالی به سلام وافر مخصوص می‌داریم. همواره حفظ حدود و نفوس و اعراض و اموال مسلمانان در عهده آن برادران محترم بوده و هست و همگی بدانند که همراهی با مخالفان اساس مشروطیت هر که باشد... معاربه با امام زمان (عج) است، باید تحرضاً و ابداً بر ضد مشروطه اقدام ننمایند" (کاظم خراسانی، عبدالله مازندرانی (کسروی، تاریخ مشروطه، ۱۳۸۷: ۶۱۴).

زبان مبارزه مثبت در انقلاب مشروطه به تأثیرگذاری مهدویت بر نظریه‌های مشروطه در راستای مشارکت در ایجاد نظام سیاسی در دوران انتظار منجر شد. اهمیت مشروطه‌خواهی بسان جهاد در

رکاب امام عصر (عج) بسیج اجتماعی را تسریع کرد و به همین ترتیب مشارکت علما در ایجاد نظم سیاسی نوین را موجب شد. این مشارکت در قالب نظارت هیئت نظار ختمیه بر مصوبات مجلس شورای ملی اول صورتبندی شد. انتخاب هیئت نظار ختمیه نیز به این ترتیب بود که عالیترین مرجع مشهور شیعه بیست نفر از مجتهدان ساکن ایران را به مجلس معرفی می‌کرد. مجلس از میان آنها پنج نفر را به شیوه رأی‌گیری و یا به قید قرعه انتخاب می‌کرد. در نظام مشروطه فقط در حوزه قضاوت در دوران انتظار به علمای ولایت داده شد و آنها در تصرف اموال و انفس فاقد ولایت بودند. ذات جوهری نظام مشروطه و بنیان نامشروع (از نظر دینی) این نظام مورد انتقاد فقهای شیعه بود؛ چون آن را تصرف در مقام امام معصوم (ع) می‌دانستند. ذات نامشروع نظام مشروطه را نمی‌توان مطابق این دیدگاه مشروع ساخت اما پذیرش آن به‌عنوان حداقل جور موجود مقدور بود (حکومت دوفاکتو). از سوی دیگر الگوی دولت مشروطه کارآمدی نداشت. پادشاه، که دارنده قوه اجرایی بود از حیطة اختیارات واگذاری ناراضی بود. مجلس بعدها هیئت نظار ختمیه را از توان انداخت؛ به این ترتیب که بتدریج اختیارات هیئت نظار کاهش یافت و لازم نبود تمام قوانین با تأیید آنها شکل بگیرد. اسلام سیاسی در انقلاب مشروطه با شکل‌گیری نظم جدیدی در تحولات اجتماعی با ابتنا بر انتظار مقدس ظهور یافت. آخوند خراسانی با زبانی مثبت قیام در ایجاد اساس مشروطیت را جهاد در رکاب امام زمان (عج) می‌دانست. در اینجا ویژگی جامعه منتظر تحرک و انقلابیگری است نه انفعال و انتظار برای آمدن مصلح به قیمت ایجاد ظلم و فساد سراسری. دکتربین مهدویت در انقلاب مشروطه به‌عنوان چارچوبی منسجم به‌منظور دعوت به مقاومت در مقابل دستگاه سلطان جائر بود؛ به این ترتیب زبان مثبت مبارزه و مشارکت در حاکمیت و قدرت در دوران انتظار و با نظر علمای شیعی با شکست مشروطیت و آغاز دوران شبه مدرن استبدادی پهلوی پایان یافت.

دوران مابعد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (اعراض از قدرت)

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که حاصل ائتلاف و هماهنگی استبداد داخلی و استعمار خارجی بود به فصلی از مبارزات ضداستعماری و استقلال‌طلبانه ملت ایران پایان داد. جنبش ملی‌گرای ضدانگلیسی ایرانیان به رهبری دکتر محمد مصدق و آیت‌الله کاشانی با کودتای انگلیسی - امریکایی و همکاری محافظه‌کاران حامی دربار در ایران با شکست روبه‌رو شد. انسداد سیاسی، سرکوب احزاب سیاسی مستقل، اعدام اعضای جمعیت فداییان اسلام و انزوای شخصیت‌های صاحب‌نام سیاسی مانند آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق نتیجه تحولات سیاسی این دوران بود. اسلام

سیاسی در این دوران متحیرانه منتظر ظهور رهبر مذهبی جدید است؛ اما یک جریان اجتماعی و با شعار غیرسیاسی ظهور یافت که الگوی انتظار منفی را از دکترین مهدویت در جامعه عملیاتی می‌کرد. این جریان اجتماعی جدید، مبارزه با بهائیت را وجهه همت خود قرار داد و رویارویی با قدرت جور مسلط را تأیید نمی‌کرد. به نظر می‌رسد انسداد سیاسی در جامعه و فراگیر شدن ظلم تأثیری جدی در صورتبندی چنین الگویی از انتظار در جامعه شیعیان داشت.

پس از بروز اختلافات بین آیت‌الله کاشانی و مصدق و شکست جنبش ملی شدن صنعت نفت، همزمان تبلیغات بهائیت نضج گرفت (صدقی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). برخی از شخصیت‌های سیاسی نزدیک به دربار و امرای ارتش نیز بهایی بودند. تبلیغات بهائیت به یارگیری مذهبی در مقابل شیعیان می‌پرداخت به طوری که بین افراد جذب شده طلبه نیز وجود داشت؛ از جمله هم‌حجره‌ای آقای حلبی (بنیانگذار انجمن حجتیه) را جذب کردند؛ لذا بهائیت در دیدگاه یک روحانی به نام شیخ محمود ذاکرزاده تولایی (حلبی) بزرگ جلوه‌گر شد و آقای حلبی بدین نتیجه رسید که باید سیاست را رها کرد و به اقدامات فرهنگی برای رویارویی با بهائیت دست زد. به علت شکست جنبش ضداستعماری ملی شدن صنعت نفت جو یأس بر جامعه حاکم بود و عده‌ای که به دنبال جریانی می‌گشتند تا با وصل شدن به آن یأس و بریدگی خود را توجیه ایدئولوژیک و سیاسی کنند به این جریان پیوستند (علیانسب، ۱۳۸۵: ۶۶)؛ به این ترتیب انجمن حجتیه شکل گرفت.

روش سیاسی انجمن اعراض از قدرت و انزوای از سیاست بود. از نظرگاه انجمن بر افراشتن هر پرچمی برای استقرار حکومت و عدالت در عصر غیبت امام مهدی (عج) پرچم ضلالت است؛ زیرا تنها مصداق حاکم اسلامی ولی معصوم است و یگانه برپادارنده حکومت اسلامی و داد، امام عصر (عج) است (باقی، ۱۳۶۶: ۱۲۱). انجمن اصل انقلاب را قبل از ظهور زیر سؤال می‌برد و بیان می‌کرد که باید نشست تا امام زمان (عج) بیاید و کارها را انجام دهد. آقای حلبی بنیانگذار انجمن می‌گفت: "اول شما یک افسر، یک پیشوا و رهبر معصوم جنگی پیدا بکنید و یک رهبری که بتواند اداره احتمالی کند روی نقطه عصمت نه عدالت. عدالت کافی نیست" (اخگری، ۱۳۶۷: ۷۹).

از آنجا که انجمن حجتیه در اوج خفقان سالهای دهه ۵۰/۴۰ خورشیدی فعالیت مذهبی غیرسیاسی برای مبارزه با بهائیت را در دستور کار قرار داده بود، مورد تشویق رژیم پهلوی بود؛ زیرا به علت امکان فعالیت گسترده آن حتی در سازمان ارتش، بخش زیادی از توان نیروهای مذهبی را به خود مشغول داشته بود. این جریان اسلامگرای نوظهور به‌عنوان "جریانی مقدس‌مآب" در اندیشه

و زبان امام خمینی (ره) مطرح بود. امام خمینی سالها پیش از آغاز نهضت، نسبت به وجود این جریان فکری، توجه داشته و هشدار می‌داده است. ایشان خود می‌فرماید: "روزی مرحوم آقای بروجردی، مرحوم آقای حجت، مرحوم آقای صدر، مرحوم آقای خوانساری (رضوان الله علیهم) برای مذاکره در یک امر سیاسی در منزل ما جمع شده بودند. به آنان عرض کردم که شما قبل از هر کار، تکلیف این مقدس‌نماها را روشن کنید. با وجود اینها مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دستهای شما را گرفته باشد. اینهایی که اسمشان مقدسین است - نه مقدسین واقعی - متوجه مفاسد و مصالح نیستند (حکومت اسلامی، ۱۷۲). امام خمینی بعدها این جریان فکری را چنین یاد می‌کند: "خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است" (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۸). امام خمینی (ره) گاهی آنها را "مارهای خوش خط‌و‌خال" و در مقابل تندروی بعضی از آنها در چند مورد با تعبیر "عالمان مهتک و جاهلان متنسک" نام بردند (صحیفه امام ج ۱۱: ۳۱۴؛ ج ۱۷: ۱۸۶؛ ج ۱۸: ۴۱۰؛ ج ۲۰: ۹۳ و ۵۱۲). این جریان فکری در آغاز جنبش می‌گفتند، کارهای آقای خمینی غیرعقلانه است. مگر با گوشت، پوست و استخوان می‌شود جلوی توپ و تانک ایستاد؟ می‌گفتند کار عقلانه این است که ما به نماز و روزه و درس و بحث خودمون پردازیم و دیگر چکاری به شاه و وزیر و کیل داریم (ر، ک: خاطرات آیت‌الله استادی: ۱۹۰).

انجمن حجتیه در تشکیل حکومت بر عصمت تأکید می‌کردند تا عدالت. رئیس انجمن با بیانی انتقادی نسبت به اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت می‌گوید: "پیدا کنید رهبری که بتواند اداره اجتماع کند روی نقطه عصمت نه عدالت، عدالت کافی نیست" (باقی، ۱۳۶۶: ۶۸).

جامعه‌شناسی سیاسی اذعان می‌کند که اگر یک تفکر که بروز اجتماعی یافته است، بنای بر عمل غیرسیاسی نیز داشته باشد، آن‌گاه که تبدیل به جریان اجتماعی می‌شود ناگزیر از تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی است. انجمن در دوران مبارزه عملاً به جریانی متفاوت از تفکر روشن‌بینانه اسلامی تبدیل شده بود. مراسم جشن‌های نیمه‌شعبان سال ۵۶، که حضرت امام (ره) تحریم فرموده بودند، توسط انجمن و همگام با رژیم شاه شکسته شد و این کنش انجمن در اوج خفقان رژیم کاملاً پیامی سیاسی داشت. انجمن در رویارویی جریان اسلام انقلابی به رهبری امام خمینی (ره) و رژیم شاه در کنار رژیم قرار گرفت. در روزها و ماه‌های پیروزی انقلاب نیز بخش اسناد سری ساواک درباره اشخاص و گروه‌های (اجتماعی - سیاسی) در دست وابستگان به انجمن حجتیه بود.

"مدارک و اسناد (ساواک) در جایی به نام مرکز اسناد نگهداری می‌شد و فردی را به مسئولیت آنجا گماشته بودند. این فرد از اعضای انجمن حجّیه بود (خاطرات عزت شاهی، ۱۳۸۶: ۴۸۵). قبل از پیروزی انقلاب انجمن حجّیه... در امور سیاسی دخالتی نداشت... وجود این فرد این فرصت را به آنها (انجمن حجّیه) داد تا مدارک مربوط به خودشان را از میان پرونده‌ها بیرون بکشند (عزت شاهی، ۱۳۸۶: ۴۸۸).

به نظر می‌رسد برخلاف مدعا و مرام انجمن، تلاش برای مشارکت در قدرت وجهه همت انجمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. در نشریه انجمن چنین به هواداران نوشته شده بود: "برادران انجمن در سراسر کشور به حسب احساس مسئولیت شرعی و اعتقاد راسخ به خدمت در جمهوری اسلامی از اوائل انقلاب به خدمت و تلاش در نهادهای انقلابی و ارگانهای دولتی و قانونی مشغول بوده‌اند (نشریه همگام با انقلاب اسلامی از انجمن حجّیه: ۱۵ - ۱۶)". پس از پیروزی انقلاب اسلامی رئیس این فرقه (حجت‌الاسلام شیخ محمود حلبی) در پیامی به بنیانگذار ج.ا.ا امام خمینی (ره) از آمادگی ۱۷۰۰۰ تحصیلکرده مهندس و پزشک و روحانی در پستهای دولت اسلامی خبر داده بود که امام خمینی نپذیرفت. امام خمینی (ره) می‌فرماید: یک دسته دیگر هم ترشان این است که بگذارید معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید... این اعوجاجات را بردارید... بر خلاف موج حرکت نکند که دست و پایتان خواهد شکست (صحیفه امام، ج ۱۶، سخنرانی امام (ره) تاریخ ۶۲/۴/۲۱). در پی موضعگیری امام (ره) انجمن صریحاً فعالیت رسمی خود را تعطیل کرد.

از نظر جامعه‌شناسی جریانهای اجتماعی، فعالیت رسمی امکان تعطیلی دارد؛ اما اگر اندیشه‌ای به جریانی اجتماعی تبدیل شده باشد تا وقتی با اقبال بخشهایی از اجتماع روبه‌رو باشد تعطیل نخواهد شد و حتی در صورت تعطیلی نیز ردپای آن در تاریخ اندیشه اجتماعی ماندگار خواهد بود. بنابراین بعدها امام خمینی (ره) همواره به نقد روحانی‌نمایان طرفدار جدایی دین از سیاست و مقدس‌نماهای بی‌شعور پرداخت و صریحاً فرمود: دیروز حجّیه‌ای‌ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بجهوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه‌شعبان را به نفع شاه بشکنند؛ امروز انقلابی‌تر از انقلابیون شده‌اند (صحیفه امام، ج ۲۱، ۶۷/۱۲/۳). شکل‌گیری انجمن حجّیه و نتایج الگوی انتظار منفی در دوران غیبت، گوشه‌ای از واکنش اجتماعی به فضای خفقان حاصل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود؛ اما گروه‌های اسلامگرای تحت رهبری امام خمینی (ره) و حتی گروه

مذهبی مهدویون، الگوی انتظار مقدس و در پی آن تلاش برای کسب قدرت را در دستور کار قرار دادند.

تلاش برای بنیانگذاری حکومت

دکترین مهدویت بر صورت‌بندی اندیشه اسلام سیاسی و صورت‌بندی طرحی برای براندازی رژیم پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی و کسب قدرت برای برپایی چنین نظام سیاسی تأثیری جدی داشت. این تأثیرگذاری در دو حوزه گروه‌های سیاسی مبارز با رژیم شاه و هم‌چنین اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و همراهان و یاران این معمار انقلاب اسلامی تبیین می‌شود:

الف. گروه مهدویون

با افزایش قیمت نفت از آغاز دهه چهل خورشیدی، روند سرکوب جامعه مدنی و گروه‌های مستقل سیاسی توسط رژیم استبدادی پهلوی افزایش یافت. سه مکتب مبارزاتی در میان مخالفان دولت استبدادی پهلوی از اقبال برخوردار بود: مکتب اسلام، مکتب لیبرال با هواداری از قانون اساسی مشروطه و مکتب مارکسیسم.

ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق تلفیقی از آموزه‌های سطحی از اسلام و مبانی روشی مارکسیستی بود. در سال ۱۳۵۴ خورشیدی طیفی از رهبران مجاهدین خلق با رسانه‌ای کردن جزوه‌ای به نام جزوه سبز، مارکسیست شدن سازمان را اعلان رسمی کردند. طیف مذهبی سازمان در مقابل این تغییر ایدئولوژیک مقاومت کرد که حاصل این مقاومت ترور شهادت‌گونه مجید شریف واقفی توسط اعضای مارکسیست سازمان بود. بنابراین جناح مذهبی انشعاب کردند و گروه مهدویون را تشکیل دادند. این گروه توسط سید مهدی امیرشاه کرمی بنیان گذاشته شد. آثار به جای مانده از او عبارت است از: فلسفه وجودی امام زمان (عج)، شناخت نقش روزه در روند تکاملی انسان، عاشورا را چگونه زنده نگه داریم و تحلیلی از نهضت محمد (ص) (روزنامه جمهوری اسلامی: ۱۳۵۹/۴/۶). او بدین دلیل نام گروه را مهدویون نهاد که مقدمات ظهور امام زمان (عج) را فراهم کند. مرام گروه عبارت بود از:

۱. اصالت مکتب اسلام بدون التقاط با مکتبهای دیگر

۲. مبارزه با مارکسیسم و مکاتب مادی

۳. انتظار ظهور امام زمان (عج)

۴. خط‌مشی مسلحانه

۵. حمایت از روحانیت مبارز

سازمان با خط‌مشی مسلحانه شروع به توسعه و گرفتن نیرو کرد (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده مهدی امیر شاه کرمی، کد ۴۰۰/۱۷۸).

پس از اینکه کادرهای اصلی سازمان در درگیریهای مسلحانه با ساواک به شهادت رسیدند و هم‌چنین دستگیرشدگان این گروه آقای ابراهیم جعفریان و همسرش طیبه واعظی که زندانی بودند، توسط ساواک در بیابانهای قم در تاریخ ۱۳۵۶/۳/۲ به شهادت رسیدند، گروه راهکار فرهنگی را در کنار خط‌مشی مسلحانه در دستورکار قرار داد (سند شماره ۴۲ مرکز اسناد انقلاب اسلامی). تشکیل گروه مهدویون و ورود آن به مبارزه سیاسی علیه رژیم شاه، نمادی از بروز انتظار مقدس و فعال از اندیشه مهدویت در تشیع است. بنابراین ملاحظه می‌شود که دکترین منسجم مهدویت در اندیشه تشیع تأثیر تاریخی خود را بر گروه‌های سیاسی مخالف رژیم استبدادی پهلوی به نمایش گذارد و در انشعاب از یکی از گروه‌های با مرام چپ مارکسیستی، گروه مهدویون سازماندهی شد. گروه مهدویون با انسجام و سازماندهی و اقدامات مسلحانه و فرهنگی در پی کسب قدرت سیاسی بود.

ب. اسلامگرایان انقلابی پیرو امام خمینی (ره)

براساس دکترین تشیع، شیعیان پس از آغاز دوران غیبت کبری منتظر ایجاد حکومت عدل توسط امام معصوم خود هستند؛ بنابراین حکومت‌های وقت را حکومت جور می‌دانستند و حاکمیت موجود را به‌صورت دوافکتو می‌پذیرند؛ چون راه‌گریزی از آن نیست. در چارچوب نظریه غیبت از آغاز تاریخ غیبت کبرای امام (۸۹۳م، ۲۷۲خ) تا آخرالزمان و ظهور آن حضرت، حکومت‌های این جهانی عادلانه نیست. نتیجه سیاسی این برداشت از نظریه غیبت این است که فعالیت سیاسی یعنی جایگزینی ظالمی با ظالمی دیگر. در راستای وضعیت سیاسی دوران غیبت نظریه انتظار به این شکل صورت‌بندی می‌شود که در زمانی نامعلوم در آینده، مقدر است که حاکمی مشروع ظهور کند و عدل را در جهان بگسترده؛ جبر‌گرایی، تقدیر‌گرایی و پذیرش انفعالی وضع موجود از ویژگی‌های این نظریه است.

اساس دکترین مهدویت امام منصوب، عادل و معصوم است و این از ارکان فروع‌ات مذهب تشیع است. منصوب بودن امام از مبنای استدلال نقلی برخوردار است. سعدبن عبدالله قمی

می‌گوید^۱: از امام مهدی پرسیدم: «مولای من! به من بگو که چرا مردم از انتخاب امام برای خود نپسندیده‌اند؟»، فرمود: «آیا آن امام مصلح است یا مفسد؟»، گفتم: «مصلح». فرمود: «آیا امکان دارد فرد برگزیده، مفسد از کار درآید؛ زیرا هیچ کدام از انتخاب‌کنندگان نمی‌دانند چه خیر یا شری در ذهن او می‌گذرد؟» گفتم: «بله». فرمود: «پس علت همین است...». بنابراین مطابق نظریه تشیع، مصلح بودن، عادل بودن، عصمت و نصب از اختصاصات امام شیعی است.

قرائت اول از نظریه غیبت بر این تأکید می‌کند که قبل از ظهور، ظلم و بی‌عدالتی جهان را فرا خواهد گرفت. این قرائت به این رویکرد منتج می‌شود که هرگونه تلاش برای استقرار عدالت و نفی ظلم، ظهور را به تعویق خواهد انداخت؛ از این رو ظلم و ستم حکومت‌های جور و وقت نیز طبیعی جلوه داده می‌شود. انتظار منفی سلاحی برای دفاع از وضع موجود است (شریعتی، انتظار، بی‌جا: ۲۶ - ۲۵). محافظه‌کاری و انفعال، ویژگی اصلی این قرائت از نظریه است. علی شریعتی به تبیین جامعه‌شناسانه مهدویت در این دوران پرداخته است. وی به تبیین جامعه‌شناختی دجال و سفیانی پرداخت؛ دجال را قهرمان پیکاسو معرفی کرد؛ «انسانی که یک چشم در وسط پیشانی دارد و آن به اصطلاح انسان تک‌ساحتی مارکوزه است؛ چرا که نظام پلید حاکم بر جهان ما نظامی یک بعدی است که انسان را با این یک چشم می‌نگرد و انسان مسخ شده در این نظام نیز جهان و حیات را با یک چشم می‌نگرد و این دجال افسونگر ذهنهاست و مسخ‌کننده انسانها؛ دجال مظهر نظام فرهنگی و روحی حاکم بر انسان آخرالزمان است (مخاطبهای آشنا: ۳۰۴ - ۲۵۵).

قرائت دوم از نظریه غیبت به معنای نفی مشروعیت همه قدرتهای دنیوی بود. این برداشت انقلابی هواداران نظریه غیبت را به مبارزه تشویق می‌کرد، و این برداشت امام خمینی (ره) و پیروان این رهبر استثنایی از نظریه غیبت بود. امام (ره) بی‌اعتنایی نسبت به سیاست و حکومت را با توسل به نظریه غیبت رد، و اظهار کرد: اسلام شیعی برای زمان غیبت طرح حکومتی دارد که مبتنی بر اصل ولایت فقیه است (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۸۱: ۶۹). امام خمینی (ره) هرگز ایمان خود را به دکترین مهدویت و انتظار کنار نگذاشت اما کوشید محتوای منفی این نظریه را با دعوت شیعیان به تشکیل دولت اسلامی و تقبیح آشکار باور عمومی نفی کند به اینکه تا وقتی بی‌عدالتی سراسر

۱. «سألت القائم علیه السلام: «أخبرني يا مولاي عن العلة التي تمنعُ القوم من إختيار الإمام لأنفسهم». قال: «مُصلح أو مُفسد؟» قلت: «مُصلح». قال: «هل يجوز أن تقع خيبتهم على المفسد بعد أن لا يعلم أحدٌ ما يخطر ببال غيره من صلاح أو فساد؟» قلت: «بلى». قال: «فهى العلة...» [بحار الأنوار / ج ۲۳ / ص ۶۸].

جهان را نگیرد، عدالت برقرار نخواهد شد (Enayon, Iran khomaynis concept...: p174). در چارچوب اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، انتظار از نظریه‌ای مبتنی بر پذیرش وضع موجود به نظریه‌ای برای تغییر وضع موجود تبدیل شد و اینکه اراده خداوند به این تعلق گرفته است تا روزی مستضعفان، حکومت بر زمین را در دست گیرند (قصص (۲۸): ۴) به گفتمان حاکم تبدیل می‌شود. بنابراین تلاش مسئولانه پیروان اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ایجاد زمینه‌های این حکومت عادلانه است. در انتظار مثبت، که از ویژگی‌های اصلی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) است، کسانی که زیر بار ستم و ظلم له می‌شوند، مأیوس نمی‌گردند و مطمئن هستند اراده خداوند، که همان جبر تاریخ و همان نظام سنت تاریخی است به سود پیروزی آنان جاری است. بنابراین، برداشت انفعالی از اصل انتظار نیز دگرگون، و مفهوم انتظار "مذهب اعتراض" مطرح می‌شود و شیعه کم‌کم از تقدیرگرایی و جبرگرایی به این مفهوم می‌رسد که رستگاری انسان از طریق اعمال خود اوست [shikholeslami, ofcit, pud].

انتظار مقدس در چارچوب اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نقشی دوران‌ساز در تحولات انقلاب اسلامی و پایان پیروزمندانه جنگ تحمیلی داشت؛ بدین ترتیب دکترین مهدویت در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) از انفعال محافظه‌کارانه دهه سی و چهل خورشیدی خارج، و به تشکیل حکومت اسلامی با زعامت ولی و نائب امام عصر (عج) منتهی شد. در این گفتمان مشروعیت سیاسی ولی‌فقیه نیز مشروعیتی انتصابی و در راستای ولایت امام غائب (عج) است.

دو دهه پس از رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی و در دهه سوم حیات ج.ا.ا. جریان فکری با بهره‌گیری حداکثری از مفاهیم مهدویت در سپهر سیاسی ایران ظهور یافت. ادبیات سیاسی این جریان فکری با ابتدا بر فرهنگ انتظار آغاز شد. تا نیم قرن پیش، گزاره غالب بر نظریه مهدویت، گزاره اسلام سنتی بود که بر انتظار مقدس تا ظهور امام غائب تأکید می‌کند. الگوی جدید برآمده از این اندیشه مهدویت و فرهنگ، انتظار را شعار خود قرار داد: "این دولت چهار شعار مطرح کرده است: عدالت گسترده، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی جامعه؛ همه اینها برگرفته از فرهنگ انتظار بود و در واقع ابعاد مختلف یک جامعه منتظر بود (سخنرانی رئیس ج.ا.ا. در دیدار مدیران تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴/۶/۷). این اندیشه واسطه فیض‌بودن امام غائب را این گونه تبیین می‌کند: "بعضی وقتها که اسمی از امام زمان (عج) می‌آید و از او صحبت می‌شود، حداکثر چیزی که به ذهن می‌آید این است که بله، کسی هست؛ حالا در یک جایی هم هست!

فعالاً هم کاری با کار عالم ندارد و برای خودش دارد زندگی می‌کند... قرار است روزی بیاید و دنیا را متحول کند. این اندیشه، اندیشه ناقصی است. امام حضور دارد، مدیریت می‌کند... حواشش به همه هست" (سخنرانی رئیس ج.ا.ا. در بازدید از دانشگاه امام صادق ۱۳۸۵/۷/۲۸). حضور عینی امام زمان(عج) در جامعه و مدیریت آن بر امور آخرین نحله از تأثیرگذاری دکترین مهدویت بر تحولات انقلاب اسلامی است.

این نحله تفکر بر "ظهور نزدیک" امام غائب تأکید می‌کند و آرمان را به واقعیت پیوند زده است. تلاش برای پیوند زدن آرمان به واقعیت، عینی‌سازی مفاهیم آرمانی، باوری و مذهبی و تلاش برای به معرض آزمون نهادن باور مذهبی مهدویت در صافیهای آزمون عقل تجربی از ویژگیهای این قرائت نوظهور از دکترین مهدویت است.

جمع‌بندی بحث و نتیجه‌گیری

دقایق پراهمیت تاریخی در باب تأثیرگذاری مهدویت بر اندیشه اسلام سیاسی و صورت‌بندی حکومت اسلامی در فهرست ذیل قابل جمع‌بندی است:

یکم: جنبش تنباکو (قیام بر علیه حاکمیت و قدرت)

دوم: انقلاب مشروطه (مشارکت در ایجاد نظام سیاسی جدید)

سوم: دوران ۲۵ ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ (اعراض از حاکمیت و قدرت)

چهارم: دوران پس‌انقلاب اسلامی (تشکیل نظام سیاسی ج.ا.ا.)

تأثیرگذاری دکترین مهدویت بر تحولات اجتماعی ایران در دوران جنبش تنباکو در راستای ایجاد زبان مبارزه منفی علیه حاکمیت سلطان جائر شد. مطابق این زبان هر حکومتی در زمان غیبت امام معصوم(ع) حکومت سلطان جائر و نامشروع است و مؤمنان شیعه جامعه‌ای خودگردان دارند. در تحولات اجتماعی بعدی در ایران مانند جنبش تنباکو و انقلاب اسلامی نیز دکترین مهدویت از قدرت گفتمان‌سازی بلامعارضی در راستای ایجاد زبان واحد مبارزه و به شکست کشاندن گفتمان رقیب برخوردار بوده است.

در دوره اول تأثیر دکترین مهدویت بر تحولات اسلام انقلابی، رویکرد علما دوره غیبت اعراض از سلاطین جور و زبان مبارزه منفی بود؛ اما زبان مبارزه منفی در جنبش تنباکو برای دو دهه

بعد در انقلاب مشروطه به زبان مبارزه مثبت تحول پیدا کرد و این آغاز دوره دوم تأثیرگذاری دکترین مهدویت است. فتوای آخوند خراسانی این بود: «تلاش در استحکام اساس مشروطیت در حکم جهاد در رکاب امام زمان عج است». شرایط اجتماعی بر تحول واژگانی نظریه مهدویت در این دو نقطه مهم تاریخ ایران معاصر تأثیرگذار بود. از پایان انقلاب مشروطه تا پایان حکومت پهلوی اول دوره تثبیت نهاد پر قدرت مدافع مهدویت یعنی حوزه علمیه در قم است. تأسیس حوزه علمیه قم و ایجاد کانون مرجعیت تشیع با ابتنا بر نیابت امام معصوم (عج) واقعه‌ای مهم از تاریخ مذهب تشیع در ایران است. بروز اجتماعی و مبارزاتی شیعه نیز در قالب جنبش فداییان اسلام بود تا اینکه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ائتلاف استبداد داخلی و استعمار خارجی به کودتا و سرکوب اجتماعی منجر شد.

دوره سوم دوران اعراض از حاکمیت و قدرت بود که از فردای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا آغاز عصر جمهوری اسلامی ادامه یافت. اندیشه تحت تأثیر دکترین مهدویت در این دوران اعراض از قدرت و حاکمیت را وجهه عمل اجتماعی قرار داد؛ نحله‌ای از این تفکر به عنوان انجمن حجتیه انتظار منفی و اعراض از سیاست در دوران غیبت را در دستور کار داشت اما از فعالیت چشمگیر اجتماعی برخوردار بود. طیفی از کارگزاران دولت پساانقلاب سابقه فعالیت در انجمن حجتیه را به دلیل رنگ مذهبی آن داشتند. اتهام مدارای با رژیم استبدادی پهلوی نیز متوجه این انجمن بود. در این دوره، نظریه مهدویت در قالب پدیده اجتماعی "انتظار منفی" سازماندهی اجتماعی وسیعی داشت اما توان تبدیل به گفتمان غالب اجتماعی و فرهنگی را نداشت. با مینا قرار گرفتن پدیده انتظار منفی در دوران غیبت عملاً بسیاری از آیات مصرح قرآن در باب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و... به محاق تعطیلی می‌رفت و قیام به همه این تکالیف موکول می‌شد به حضور امام معصوم (ع) و این نقدی است که بر شیوه تفکر انجمن و مرامنامه آن وارد است.

از سوی دیگر ظلم عیان دستگاه استبدادی وقت، استبداد سیاسی در جامعه، تعطیلی فعالیتهای سیاسی احزاب و شکنجه مخالفان سیاسی نظام حاکم، برجستگی و اثربخشی ویژه‌ای را به آیات تغییرساز قرآن می‌داد و امامت، شهادت، جهاد، ایثار و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را به گفتمان حاکم تبدیل کرده بود؛ بدین ترتیب گفتمان انتظار با وجه شورش بر حاکمیت استبدادی وقت وجه غالب اجتماعی پیدا کرد تا اینکه در انقلاب سال ۱۳۵۷ با رهبری امام خمینی (ره) به

پیروز میدان مبارزه گفتمان فرهنگی و اجتماعی سیاسی تبدیل شد.

دوران چهارم دوران پساانقلاب اسلامی است. امام خمینی (ره) از دیدگاه سنتی معطوف به عدم حکومت در زمان غیبت که "نظریه تعطیل" نیز نام دارد، فاصله‌ای عمیق گرفت و دوران انتظار را دوران تشکیل حکومت به وسیله فقیه عادل و آگاه دانست. در اندیشه امام خمینی (ره) حکومت در دوران انتظار واجب است؛ لذا تحقق شرایط استقرار حکومت هم واجب است. بر فقیه واجب است که راه رسیدن به حکومت را پیدا کند. در این راه انقلاب، ممکن و وسیله رسیدن به واجب (حکومت) است. اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) که به تشکیل جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه منتهی شد بر سه مؤلفه مبتنی است: انتظار، ولایت فقیه و انقلاب.

انتظار بستر زمانی تشکیل حکومت به وسیله ولی فقیه عادل و آگاه است. "مکتب صاحب جواهر" به حکومت فقیه در دوران انتظار معتقد بود. فقیهان مطابق نظریه صاحب جواهر در این دوران دارای ولایت هستند و این ولایت را نمی‌توانند به دیگران واگذار کنند. فقیه باید حکومت را در دست بگیرد؛ اما متفکران شیعه از ابتدا راه خوشنبتار را برای کسب قدرت نفی می‌کردند. نفی کسب قدرت از طریق غلبه یک مسئله بود و مسئله دیگر اینکه تا دوران امام خمینی (ره) راه حلی سیاسی اجتماعی غیر از شیوه غلبه باب نبود. در طول تاریخ همواره توده‌های مردم نظاره‌گر مناقشات خونین نخبگان برای کسب قدرت به شیوه غلبه بودند. در دوران امام خمینی (ره) انقلاب، که حرکت خشونت‌آمیز توده‌های مردم علیه حکومت است، مبنای تغییر اجتماعی قرار گرفت.

امام خمینی (ره) پیرو مکاتب صاحب جواهر و به حکومت فقیه در دوران انتظار معتقد بود. در نظریه صائب امام خمینی (ره) دکترین مهدویت به تشکیل حکومت منتهی شد. در این دوران آرام آرام تحولی در مباحث اجتماعی صورت گرفت و ضلع سوم نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، که انقلاب است، وارد ادبیات اجتماعی ایرانیان شد.

از سالهای مقدم مشروطه فلسفه جدیدی پیدا شد و مفهوم اجتماعی انقلاب به عنوان یک راه حل مطرح شده بود. این مفهوم نتیجه تحول در زبان‌شناسی و زندگی انسانهای این عصر بود. تا آن زمان اصل بر سلطنت بود و تغییرات در درون نظام سلطنت بود و مردم صرفاً نظاره‌گر تغییر بودند نه مشارکت‌کننده در تغییر؛ این گونه قاجاریه جایگزین زندیه شدند. انقلاب امکان تشویق افکار عمومی و شکل‌گیری نیروهای اجتماعی برای تغییر در حوزه سیاست بود. آنچه تحقق یافت و از اهمیت برخوردار بود، ورود مفهوم انقلاب به نظریه ولایت سیاسی فقیه در دوران انتظار ظهور بود.

در حیات سیاسی اجتماعی ملت ایران همواره اعتماد به رهبران روحانی وجود داشته است. اعتماد توده‌های مردم به روحانیت، رهبری جنبش را به شاخصترین رهبر و مرجع این طبقه منتفذ، خوشنام و قدرتمند اجتماعی منتقل کرد؛ بدین ترتیب ترکیب انقلاب (اقبال وسیع مردمی) و رهبری صالح در دوران انتظار ظهور به نظام جمهوری اسلامی منتهی شد.

هدف این نوشته کاربرست دکترین مهدویت در تبیین اسلام انقلابی در تحولات ایران معاصر و صورتبندی جمهوری اسلامی در ایران است. نظریه مهدویت از اجزای مقوم اندیشه انقلاب اسلامی، و این نکته‌ای است که در این مقاله تلاش در تبیین آن شده است. مطابق دیدگاه تشیع، امام حسن عسگری (ع) آخرین امام شیعیان بود که حیات و مرگش دیده شد. امامت از ایشان به مهدی موعود (عج) منتقل شد که از دیده‌ها غایب گردید. ظهور این امام فصل پایان تاریخ بشر را تشکیل می‌دهد. طی دو قرن اخیر با ورود مدرنیته، تاریخ شاهد صورتبندی تحولات اجتماعی در پرتو ایدئولوژی‌هایی چون مارکسیسم، لیبرالیسم و سوسیالیسم در ایران بود. نظریه مهدویت در بروز و ظهور اجتماعی در نهایت همه این گفتمانهای مدرن را به حاشیه راند و به گفتمان غالب اجتماعی تبدیل شد.

این مقاله تبیین کرد که تحول گفتمان مهدویت از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی در مدار شورش بر حاکمیت جائر تا تشکیل جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی بر بستر انتظار ظهور با رهبری صالح و انقلاب مردمی صورتبندی شد. اهمیت قضیه آنجاست که در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی، هم جمهوری و هم اسلامی تغییرناپذیرند. این سامانه، مرکب است. در سامانه مرکب برای تداوم حیات آن، اجزا باید فعال باشند. اجزای سامانه مرکب از قبل تفاوتی که دارد هم به خودآگاهی اجزا می‌پردازد و هم فعال‌سازی غیر را انجام می‌دهد. این نقش برای اجزای جمهور و اسلام صدق می‌کند. جمهوری اسلامی بر بنیاد مفاهیم "انتظار ظهور"، "رهبری صالح" و "انقلاب مردمی" صورتبندی شده است. تأکید بر یک جزء بدون توجه به اجزاء دیگر تضادی آنتروپیک را در درون سامانه ایجاد می‌کند. افزایش تلاش در برجسته کردن یک جزء و ایجاد محدودیت در اجزای دیگر باعث از خودبیگانگی اجزا می‌شود، بنابراین سیاستگذاران جمهوری اسلامی باید به توازن معقول و سیستمی اجزای جمهوریت و اسلامیت دقت خاص کنند. هرگونه هویت‌سازی خاص از یک جزء به غیریت‌سازی جزء دیگر و تضاد آنتروپیک سامانه منجر می‌شود. از سوی دیگر عینی کردن مفاهیم آرمانی همچون مفهوم "امام زمان عج" و نسبت دادن اداره

کارهایی که جنبه عینی دارد و آزمون‌پذیر تجربی است به این دال آرمانی، تعادل اجزای سامانه را دچار چالش می‌کند. مهدی موعود(عج) و عدالت آخرالزمانی، مفاهیمی آرمانی متعلق به بشریت است که بشارت‌دهنده نهایی آن اسلام است. نسبت دادن کارهای عینی و آزمون‌پذیر به دالهای آرمانی نه مبنای روش شناختی دارد و نه مطلوبیت سیستمی.

پیشنهاد این مقاله پژوهشی این است که از عینی‌گرایی افراطی در پدیده‌های آرمانی پرهیز شود و تبلور مهدویت در اندیشه انقلاب اسلامی در چارچوب اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) مبنا قرار گیرد. اجزای این نظریه نیز بر بنیاد انتظار به رهبری صالح (ولایت فقیه) و انقلاب مردمی قرار دارد که در نظام جمهوری اسلامی تعین پیدا کرده است. بنابراین مفاهیم اسلامی و جمهوری به‌عنوان اجزای مقوم یکدیگر تقویت شود.

انقلاب اسلامی نیز تغییری بنیادی در جهت‌دستیابی به جامعه منتظر است و جامعه مقصد جامعه انتظار است و باید شرایط ظهور مبنا قرار گیرد نه نشانی‌های ظهور.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۸)، قم: بوستان کتاب.
- امام خمینی، روح اله (۱۳۷۹)، صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابراهیم، علیرضا (۱۳۸۱)، مهدویت در اسلام و دین زرتشت، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ابراهامیان، یرواند (۱۳۸۴)، ایران بین دو انقلاب (ت: گل محمدی و فتاحی)، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۷۷)، ایدئولوژی انقلاب مشروطه در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آراسته‌خو، محمد (۱۳۷۰)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران: گستره.
- اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۱)، ایدئولوژی انقلاب ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- اخگری، محمدرضا (۱۳۶۷)، ولایتی‌های بی‌ولایت، نشر: بی‌جا.
- استادی، رضا (۱۳۷۸)، خاطرات، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- باقی، عمادالدین (۱۳۶۶)، در شناخت حزب قاعدین، قم: بی‌جا.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۱)، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: امیرکبیر.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۹)، خورشید مغرب، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شافریتز، جی.ام و پی.بریک، کریستوفر (۱۳۹۸)، سیاستگذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا (ت: حمیدرضا ملک‌محمدی)، تهران: دانشگاه امام صادق.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹)، تشیع علوی، تشیع صفوی، تهران: حسینیه ارشاد.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹)، مخاطب‌های آشنا، تهران: حسینیه ارشاد.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹)، انتظار، تهران: حسینیه ارشاد.
- شریعتی، علی (۱۳۸۱)، شیعه، تهران: انتشارات الهام.
- صافی، لطف‌الله (۱۳۷۸)، گفتمان مهدودیت، قم: مسجد جمکران.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی انجمن حجّتیّه، فصلنامه تخصصی ۱۵ خرداد، دوره سوم، س ششم، ش ۲۰.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۴)، دولت مهدی، تهران: دریا.
- علیانسب، سیدضیاء‌الدین و علوی‌نیک، سلمان (۱۳۸۹)، جریان‌شناسی انجمن حجّتیّه، تهران: وثوق.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی (ت: احمد تدین)، تهران: رسا.
- فیرحی، داود (۱۳۷۸)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.

- فیرحی، داود (۱۳۸۳)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.
- قنبری، آیت (۱۳۸۴)، شیعه و جهان فردا، تهران: زمزم هدایت.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۱)، اقتصاد سیاسی ایران (ت: کامبیز عزیزی)، تهران: نشر مرکز.
- کاظمی، محسن (۱۳۸۶)، خاطرات عزت شاهی، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۱)، تاریخ مشروطه، تهران: امیرکبیر.
- لالاند، آندره (۱۳۷۷)، فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه (ت: علی‌رضا وثیق)، تهران: فردوسی ایران.
- مدرس طباطبایی، سیدحسین (۱۳۸۸)، مکتب در فرایند تکامل (ت: هاشم ایزدپناه)، تهران: کویر.
- مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۶۳)، بحارالانوار، ج ۱۳، بی‌جا.
- ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۸۷)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر، چ هشتم.
- نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۷۶)، فرهنگ و اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، چ ششم.
- نیازمند، رضا (۱۳۸۳)، شیعه در تاریخ ایران، تهران: حکایت قلم نوین.
- انتظار در اندیشه (۱۳۷۸)، تهران: مرکز فرهنگی امام مهدی (ع).
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده مهدی امیر شاه‌کرمی، کد ۴۰۰/۱۷۸.
- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بصیرت پاسداری (۱۳۸۸).
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۴.
- سایت رسمی خبرگزاری فارس.
- سایت اینترنتی ویکی‌پدیا.
- مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری؛ دولت بومی، هویت و کارآمدی ش ۳۹ / ششم تیرماه ۱۳۸۷ ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی.

nikki, R, keddi, Religion, society & Revolution in Modern Iron, edited by M.E Bonine, New York, state university of New York press, 1981

W. Richard Comstock, The Encyclopedia of Religion, edited by Mircea Eliade, macmillan publishing company, New York, 1987, vol 4, pp. 384 – 385.

